

نیروی انسانی:

رتبه در جهان: ۲۹ (در میان ۶۸ کشور)

کل جمعیت: ۲۰۸۲۰۳۱۱

نیروی نظامی در حال خدمت: ۱۱۵۵۰۵۸۸۱

نیروی نظامی آماده‌به‌خدمت: ۹۹۳۹۶۶۱

جمعیت دارای شرایط سنی کافی برای خدمت: ۵۰۱۴۱۰

پرسنل در حال خدمت ارتش: ۳۰۴۰۰۰

پرسنل ذخیره ارتش: ۴۵۰۵۰۰

سیستم نیروی زمینی:

تانک: ۴۱۵۰

ماشین‌های زرهی

(ماشین‌های جنگی زمینی): ۷۹۴۵

اسلحه‌های سنگین خودکار: ۵۱۶۰

توپخانه: ۲۱۵۰

سامانه موشکی: ۱۳۳۶

سیستم‌های ردگیری قابل حمل: ۱۲۱۰

پدافند ضد هوایی متحرک: ۹۲۴۰

وسایل نقلیه لجستیکی: ۲۸۰۰۰

نیروی هوایی:

تعداد کل هواپیماهای جنگی: ۶۹۵

هلیکوپتر: ۱۷۶

نیروی دریایی:

تعداد کل کشتی‌های جنگی: ۴۱

کشتی بادبانی: ۲

صنایع دفاعی ساحلی (مرزبانی دریایی): ۳۸

جنگ‌افزار های مین‌روب: ۴

ادامه از صفحه ۷

جنگ ارتش آمریکا علیه چگیرا‌های فیلپین به نام «هوک‌ها»، هم‌زمان با جنگ هوک‌ها علیه تاخت‌وتاز سربازان ژاپنی، پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا جنگ علیه هوک‌ها را ادامه و سرانجام آنها را شکست داد. پس از آن نوبت به رئیس‌جمهورهای دست‌نشانده آمریکا و در راس آنها، فردیناند ماکروس دیکتاتور رسید.

کره جنوبی: ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۳

پس از جنگ‌جهانی دوم، پیشروی نیروهای مردمی در کره جنوبی را به نفع محافظه‌کارهایی که با ژاپن هم‌دست بودند، متوقف کرد. این مداخله را سال‌ها جولان حکومت‌های فاسد، مرتجع و ستمگر را باز کرد.

آلبانی: ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۳

آمریکا و بریتانیا به کمک هم سعی کردند حکومت کمونیستی آلبانی را ساقط کنند و به جای آن حکومتی طرفدار غرب و مرکب از وابستگان به سلطنت و همدستان فاشیست‌های ایتالیایی و نازی‌ها بنشاندند. خوشبختانه این تلاش ناکام ماند.

آلمان: ۱۹۵۵

دو دهه آخر جنگ روانی علیه آلمان شرقی به راه‌انداختن، این قبیل اقدامات یکی از عواملی بود که به ساخت دیوار برلین در سال ۱۹۱۱تجلیمید.

گوآتمالا: ۱۹۵۳ تا ۱۹۹۰

CIA در کودتایی، دولت دموکراتیک و قانونی ژاکوبو ارنز را سرنگون کرد و متعاقب آن ۴۰سال حکومت جوخه‌های مرگ، شکنجه، آدم‌ربایی و اعدام دسته‌جمعی رقم خورد که در مجموع، صدهزار نفر را قربانی کرد. بی‌شک یکی از غیرانسانی‌ترین دوران‌های قرن بیستم همین ۴۰ سال بود. گنگه ناخوشدونی ارنز این بود که کمپانی‌های آمریکایی مانند کمپانی یونایتد فروت را ملی کرد، کمپانی‌ها باالتهای آمریکایی رابطه بسیار نزدیکی داشت. واشنگتن در توجیه کودتا گفت: گوآتمالا در آستانه هم‌پیمان شدن با شوروی بود. درحالی‌که در واقع روس‌ها با گوآتمالا حتی روابط دیپلماتیک محدودی داشتند. مشکل واقعی اما از دید واشنگتن، علاوه بر کمپانی یونایتد فروت، خطر سرایت سوسیال دموکراسی گوآتمالا به سایر کشورهای آمریکای لاتین بود.

خاورمیانه، ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۸

مطلبی دکترین ایزنهاور، ایالات متحده «آماده استفاده از نیروی نظامی کمک» در هر کشور خاورمیانه است که «برای مقابله با پیشروی کمونیسم بین‌المللی» به کمک نیاز داشته باشد. معنی این جمله این بود که هیچ‌کس جز آمریکا اجازه تسلط یا نفوذ زیادی در خاورمیانه و میادین نفتی آن را ندارد، به ویژه کسانی که طبق تعریف آمریکا «کمونیست» بودند. دویار تلاش برای سرنگونی دولت سوریه، تحر اکتی به قصد ارباب جنبش‌هایی که علیه حکومت‌های تحت حمایت آمریکا در بحرین و لبنان شکل گرفته، مستقر کردن ۱۴هزار سرباز در لبنان و توطئه ترور ناصر در مصر از جمله اقداماتی برای همین سیاست بودند.

اندونزی ۱۹۵۷ تا ۱۹۵۸

سوکارنو در اندونزی مانند ناصر در مصر، از آن نوع رهبرهای جهان سوم بود که ایالات‌متحده نمی‌توانست آنها را تحمل کند او در جنگ جهانی دوم سیاست بی‌طرفی اتخاذ کرد. همچنین بسیاری کمپانی‌های خصوصی متعلق به آلمان (استعمارگر اندونزی) را ملی اعلام کرد. او از سرکوب حزب کمونیست اندونزی، که به تدریج در فرآیندی دموکراتیک در حال قدرت‌گرفتن بود، سر باز زد. چنین سیاست‌هایی محتملا به سایر رهبران جهان سوم «ایده‌های غلطه را می‌موخت. CIA شروع کرد به تزریق پول برنلمه‌ریزی برای ترور سوکارنو، تلاش برای باجگیری از او با یک فیلم پورنو جعلی و کودتای تمام‌عیار علیه دولت او؛ سوکارنو از همه این‌ها جان سالم به در برد.

ویتنام، ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۳

شیب لغزنده جنگ ویتنام با گرفتن طرف فرانسه (استعمارگر ویتنام) و همدستی با ژاپن در مقابل هوشی مین که در جنگ جهانی در کنار متحدین جنگیده بود، آغاز شد. به هر حال هوشی مین به نوعی کمونیست محسوب می‌شد. او برای رئیس‌جمهور ترومن

چندین نامه نوشت و تقاضا کرد از استقلال ویتنام از فرانسه و حل مسالمت‌آمیز مشکل این کشور کمکش کند. همه در خواست‌های او نادیده گرفته شد. هوشی مین بیانیه استقلال ویتنام را از روی بیانیه استقلال آمریکا نوشت. اما این برای آمریکا هیچ مهم نبود؛ زیرا هوشی مین به نوعی کمونیست محسوب می‌شد. پس از ۲۳سال جنگ و میلیون‌ها کشته، سرانجام آمریکا ارتش خود را از ویتنام خارج کرد. بسیاری گفتند آمریکا شکست خورد اما ناپودک‌ردن هسته زیست ویتنام و سم‌آلودکردن اراضی و ایجاد نقص ژنتیک در نسل‌های نمتادی، واشنگتن را به هدف اصلی‌اش رساند: جلوگیری از اوج‌گیری محتمل یک بدیل توسعه‌ای خوب در آسیا. زیرا هوشی مین به نوعی کمونیست محسوب می‌شد.

کامبوج، ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۳

سوهانوک نیز از آنها‌یی بود که خیال نداشت به بل قربان‌گوی آمریکا باشد. ایالات‌متحده پس از سال‌ها خصومت با دولت او، سرانجام با کودتایی در سال ۱۹۷۰، سوهانوک را ساقط کرد. اما رعب و وحشت پل‌پوت و خمرهای سرخ تحت فرمان او نیز لازم بود. پنج‌سال بعد از کودتا خمرهای سرخ به‌قدرت رسیدند. بمباران پنج‌ساله آمریکا اقتصاد سنتی این کشور را به‌کلی نابود کرد. کامبوج قدیمی برای همیشه از بین رفت. خمرهای سرخ حتی خرابی بیشتری بر این کشور مانده‌زه تحمیل کردند. طنز اینجاست که ایالات‌متحده پس از شکست در ویتنام، پل‌پوت را به لحاظ سیاسی و نظامی حمایت می‌کرد.

بوش عقاید متفاوتی داشت. او اصلاحات ارضی کرد، خائنه‌های قایل استطاعت ساخت، تجارت را کم‌پوشش ملی کرد و… همچنین درباره فعالیت سیاسی هم‌باز بود. کمونیست‌ها بدون اینکه واقعا جرمی مرتکب شده باشند تحت تعقیب قرار نخواهند گرفت. واشنگتن از این قبیل اقدامات آزرده‌خاطر شد. در سپتامبر ۱۹۶۶ کودتای نظامی علیه رئیس‌جمهور او را سرنگون کرد، واشنگتن که می‌توانست جلو کودتا را بگیرد هیچ کاری نکرد. ۱۹ماه بعد، شورش علیه نظامی‌ها نزدیک بود به بازگشت رئیس‌جمهور به قدرت بینجامد. این‌بار واشنگتن کاری کرد و ۳۳هزار نیروی نظامی برای کمک به نظامی‌های دومینکن‌فرستاد.

کوبا، ۱۹۵۹ تاکنون:

در آغاز سال ۱۹۵۹ فیدل کاسترو در کوبا به‌قدرت رسید. شورای امنیت ملی آمریکا در ۱۰مارس همان سال در نشستی «امکان روی کار آوردن دولت دیگری در کوبا» را بررسی کرد. اکنون پس از سال‌ها توطئه، دخالت نظامی، تحریم، ایزوله‌کردن، ترور و… کوبا همچنان «انقلاب ناخوشدونی» خودش را پی می‌گیرد. غم‌انگیز این است که هنوز هیچ‌کس نمی‌داند چه نوع جامعه‌ای می‌توانست در کوبا شکل بگیرد اگر ماشه آمریکا روی سرش نبود.

اندونزی ۱۹۶۵:

رشته انفاقات عجیب، کودتا ضد کودتا و شاید ضد کودتا در فرای خلغ‌بد سوکارنو و به‌قدرت‌رسیدن جانشین نظامی او ژنرال سوهارتو، در اندونزی به‌وقوع پیوست. قتل‌عام بلافاصله کمونیست‌ها



مردان نظامی آمریکا در ویتنام

و هواداران آنها و هرکس دیگر که ظننن به علاقمندی به کمونیسم بود، آغاز شد. نینبورک تاکنون آن را «یکی از وحشیانه‌ترین کشتارهای تاریخ سیاسی مدرن» نامید. تخمین تعداد کشته‌ها از نیم‌میلیون تا بیش از یکمیلیون نفر متغیر است. بعدها مشخص شد آمریکا فهرست «کمونیست‌هایی که باید شکار می‌شدند را تهیه کرده‌است. یک دیپلمات آمریکایی در این‌باره گفت: «آدم‌های زیادی کشته شدند و احتمالا دست خیلی‌ها آلوده است، اما چه می‌شد کرد ما باید قطع عمل می‌کردیم»

شیلی، ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۳:

سالوادور آلنده بدترین سناریو ممکن برای آمریکا بود. تنها در کودتای نظامی در آوریل ۱۹۶۷، تنها دو روز پیش از کمپین انتخابات ملی آغاز شد. در آن انتخابات محرز شده بود که کار بنفع لیبرال کهنه‌کار، جورج پائندرو تمام می‌شود. او دو ماه پیش از آن با رای قاطع که در تاریخ سیاسی یونان سابقه نداشت نخست‌وزیر شده بود. دسیسه برای سرنگون کردن او بلافاصله با اتحاد دادگاه سلطنتی، ارتش یونان و ارتش آمریکا و CIA آغاز شد. در ماه نخست کودتا، هشت‌هزارنفر قربانی شکنجه، بازداشت و قتل

جهان

منابع نفتی:

تولید نفت: ۳۳۳۹۰۰

مصرف نفت: ۲۵۲۰۰۰

ذخایر ثابت نفتی: ۲۰۵۰۰۰۰۰۰۰۰

پشتیبانی لجستیکی:

نیروی کار: ۵۶۴۲۰۰۰

ناوگان کشتیرانی تجاری: ۱۹

بنادر و ترمنبال‌های اصلی: ۳

پوشش راه‌های زمینی: ۶۸۱۵۷ کیلومتر

پوشش خطوط آهن: ۲۰۵۲ کیلومتر

اقتصاد:

بودجه دفاعی: ۲۰۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰

بدهی خارجی: ۸۰۱۹۶۰۰۰۰۰۰۰

ذخیره ارزی و طلا: ۱۴۸۳۰۰۰۰۰۰۰۰

برابری قدرت خرید: ۱۰۷۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰

جغرافیا:

پهنه جغرافیایی: ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر

خط ساحلی: ۱۹۳ کیلومتر

مرز مشترک: ۲۲۵۳ کیلومتر

راه‌های آبی: ۹۰۰ کیلومتر

آواره شدن

هزاران کردسوری



حسین احمدی‌نیا

سازمان‌های بین‌المللی بشردوستانه از آواره‌شدن هزاران کرد سوری به سمت مرزهای اقلیم کردستان عراق خبر دادند، گسترش وادحام جمعیت آوارگان سوری به حدی است که سازمان ملل متحد آن را بزرگ‌ترین موج آوارگی سوری‌ها از سال ۲۰۱۱ دانسته‌است.

کردهای سوری بیش از ۱۰درصد جمعیت این کشور را تشکیل و در مناطق شمال‌شرقی از «حلب» تا اقامشلی» سکونت دارند. پس از بحران داخلی سوریه، ارتش و نیروهای نظامی و اطلاعاتی آن کشور، مناطق کردنشین را ترک و این مناطق به صورت شورایی و توسط احزاب کردی سوریه اداره می‌شد و جزو مناطق امن و آرام سوریه به‌دور از نزاع و جنگ بود. از سوی دیگر شاید بتوان گفت کردهای سوریه تنها گروه مخالف «بشار اسد» هستند که با دولت مرکزی وارد جنگ نشدند و اجازه ورود جنگ به این مناطق را ندادند. کردهای سوریه با گروه‌های «سلفی» و «جهبه‌النصره» دارای اختلافات جدی بوده و همین امر باعث بروز جنگ بین کردها و «جهبه‌النصره» شده است که این مساله باعث کشتار وسیع زنان، کودکان و افراد بی‌دفاع کرد سوریه توسط «جهبه‌النصره» شده است. گسترش جنگ به این مناطق و حملات ناچوماندانه جهبه‌النصره به کردهای سوریه بدون تفکیک نظامی و غیرنظامی باعث ایسن موج عظیم آوارگی شده است.

اکسون دولت مرکزی سوریه و کردهای آن کشور دارای دشمن مشترکی به نام جهبه‌النصره هستند. ناامنی مناطق شرقی، غربی و جنوبی سوریه باعث شده تا آوارگان کرد به سمت اقلیم کردستان عراق سرازیر شوند.

اما خیل جمعیت آنان موجب شده است سازمان‌های بین‌المللی توان کمک به همه آنها را نداشته باشند. مسوولان اقلیم کردستان عراق و جمعیت پناهندگان ملل متحد در حال احداث فقط یک «ردگاه» موقت» برای آنان هستند. این موج آوارگی تشابه زیادی به موج آواره‌شدن کردهای عراق در سال ۱۹۹۱ به سمت ایران دارد.

در آن زمان هزاران کرد عراقی به علت حملات ناچوماندانه رژیم بعثی «صدام حسین» به کردستان عراق، به سمت ایران حرکت کردند که جمهوری اسلامی ایران با رفتاری انسان‌دوستانه و جوانمردانه پذیرای همه آنان شد به نحوی که این عمل ارزشمند جمهوری اسلامی ایران موجب ماندگاری آن و ایجاد بزرگ‌ترین خاطره برای کردهای عراق شد به صورتی که در تمامی مذاکرات دو با چندجانبه رهبران و مسوولان اقلیم کردستان عراق با ایران از آن یاد می‌کنند و در حال حاضر باعث تحکیم روابط دو طرف شده است.

عراق، ۱۹۹۰ دهه:
۴۳هزاره‌وز بمباران بی‌رحمانه علیه یکی از پیشرفته‌ترین ملت‌های خاورمیانه، پایتخت تاریخی و مدرن آن را منهدم کرد. سستین‌ترین حمله هوایی در تاریخ جهان... زیرساخت‌ها نابود شدند و مسایل بهداشتی زیادی به دنبال آوردند. تجربه‌ها ادامه یافت میلیون‌ها کودک (بیش از بزرگسالان) را به کام مرگ فرستاد.

افغانستان، ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۲
همه دربارہ ستمی که بر زنان افغان می‌رود (حتی پیش از طالبان) چیزهایی می‌دانند. اما کمتر کسی است که بلدان سال‌های آخر دهه ۷۰ و بخش اعظم دهه ۹۰ افغانستان دولتی داشت که متعهد شده بود کشور را به قرن بیستم بیاورد. از جمله خود را به اعطای حقوق برابر زن و مرد ملزم کرده بود. اتفاق که افتاد این بود که ایالات متحده میلیون‌ها دلار خرج کرد تا جنگی مهلک علیه این دولت به راه اندازد تنها به این دلیل ساده که شوروی از آن حمایت می‌کرد. در پایان ایالات متحده برنده شد و بقیه باختند. یکمیلیون کشته، سهمیلیون معلول جنگ و پنجمیلیون پناهنده (سر جمع نیمی از جمعیت کشور!) حاصل این جنگ برای افغانستانی‌ها بود.

یوگسلاوی، ۱۹۹۹
بمباران یوگسلاوی توسط آمریکا، این کشور را به دوران پیشاصنعتی عقب راند. آمریکا سعی کرد به افکار عمومی اینگونه القا کند که تنها انگیزه‌اش برای دخالت نظامی در یوگسلاوی «بشر دوستی» بوده‌است. اما تاریخ مداخله‌های آمریکا می‌تواند به مخاطب کمک کند تا بفهمد این ادعا جقدر می‌تواند صادقانه باشد.

ویلیام بلوم نویسنده کتاب «امید شهید: مداخله از تش

آمریکا و CIA از جنگ جهانی دوم به این‌سو،

ادامه از صفحه ۷

همه‌چیز درباره «ان‌پی‌تی»*

برای تأیید این تعهدات و تضمین اینکه مواد هسته‌ای برای مقاصد تسلیحاتی‌مورد استفاده قرار نمی‌گیرند، مادهٔ ۳ پیمان سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای را موظف می‌کند که تجهیزات هسته‌ای کشورهای بدون سلاح هسته‌ای را مورد نظارت قرار دهد. به علاوه مادهٔ ۳ برقرار می‌کند که انتقال مواد شکافت‌پذیر بین کشورهای دارای سلاح و کشورهای بدون سلاح هم باید تحت نظارت قرار گیرد.

مادهٔ ۴ «حق مسلم» کشورهای بدون سلاح هسته‌ای را برای انجام تحقیقات، توسعه و استفاده از انرژی هسته‌ای با مقاصد غیرتسلیحاتی به رسمیت‌می‌شناسد.

این ماده همچنین از «معاوضه» اطلاعات وابسته به دانش و فناوری هسته‌ای بین کشورهای دارای سلاح و بدون سلاح «به کامل‌ترین شکل ممکن» پشتیبانی می‌کند. مادهٔ ۵ که در عمل منسوخ شده به اعضای بدون سلاح هسته‌ای اجازه دسترسی به برنامه‌های تحقیق و توسعه مربوط به انفجارهای هسته‌ای با اهداف صلح‌آمیز کشورهای دارای سلاح را می‌دهد. چنان‌که کارشناسان سازمان «کنترل سلاح» اشاره می‌کنند از آنجا که استفاده صلح‌آمیز از انفجارهای هسته‌ای در طول زمان رنگ باخته، این ماده ارزش خود را از دست داده است. این ماده اکنون مورد منازحه است تا در «پیمان جامع منع آزمایش‌های هسته‌ای» که تمام انفجارهای هسته‌ای را ممنوع می‌کند مورد بازنگری قرار گیرد. این پیمان جامع را تمام پنج‌عضو دایم شورای امنیت امضا کردندند.

اما مادهٔ ۶ کشورهای دارای سلاح را متعهد می‌کند که «مذاکراتی را درباره اقدامات موثر مربوط به توقف مسایله تسلیحات هسته‌ای در نخستین زمان ممکن و خلع سلاح هسته‌ای و پیمانی بر خلع سلاح عمومی و کامل تحت نظارت بین‌المللی سخت و موثر پی بگیرند.» و بند ۷ با تصدیق لزوم برداشتن گام‌های فوری در فرآیند خلع سلاح هسته‌ای، ایجاد مناطق آزاد فاقد سلاح هسته‌ای را مجاز می‌شمارد.

مادهٔ ۸ از نیاز به فرآیندی پیچیده و درازمدت برای اصلاح پیمان می‌گوید تا از تغییرات در صورت عدم اتفاق آرا به گونه موثری جلوگیری شود. مادهٔ ۹ هم از شرایط خروج اعضا از پیمان می‌گوید. خروج اعضا نیاز به هشدار به سازمان انرژی اتمی سمه‌ا پیش از خروج دارد. کاری که کره شمالی نکرد و ادعا کرد که اشاره‌های پیش‌ترش کافی بوده است، رشت‌های که سر درازی پیدا کرد و نهایتاً درخواست کشورهای درگیر در مذاکرات شش‌جانبه مبنی بر بازگشت پیونگ یانگ به NPT نشان داد آنها پذیرفته‌اند که کره شمالی از پیمان عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای خارج شده است.

دیگر مواد پیمان هم مربوط است به امور اداری، فراهم‌آوردن شرایط برگزاری کنفرانس‌های بازنگری و اینکه آیا پیمان پس از ۲۵ سال باید تمدید شود یا خیر. تمدید البته در سال ۱۹۹۵ به صورت نامحدود انجام پذیرفت اما این تنها نتیجه کنفرانس‌های بازنگری نبوده است. در جریان کنفرانس‌های بازنگری اصلاحاتی انجام می‌شد تا در سال ۱۹۹۵ خود فرآیند بازنگری با توافق بر سر اینکه کنفرانس‌های بازنگری باید عملکرد نبرومندتری داشته باشند، تقویت شود.

اما علاوه بر مشکلاتی که اشاره‌ای به آنها شد، مشکل بزرگ دیگری هم هست. درست است که با پیمان‌های استرات بین واشنگتن و مسکو شمار کلاهک‌های اتمی رو به کاهش گذاشته اما همه می‌دانیم که خلع سلاح کامل هرگز رخ نخواهد داد. به علاوه سلاح‌های نسل جدید همواره جایگزین پیشینیانی می‌شوند که توانایی‌های وابسته به فناوری و در نتیجه تخریب آنان بسیار کمتر از فرزندان تازمان‌اش است. همچنین کمتر کسی هست که گمان کند کشورهای قدرتمند تمام دانسته‌های ارزشمند خود را در اختیار دیگر کشورها می‌گذارند.

چالش‌های پیش روی متن و حاشیه پیمان عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای در آخرین کنفرانس بازنگری پیمان قابل مشاهده بود. چنان‌که اسکات پیترسون، نویسنده کریستین سایینس مانیفستو نقل کرد، ناتالی گلدرنیک، استادان ارشد رمز صلح و امنیت، دانشگاه جورج تاون اندکی پیش از کنفرانس سال ۲۰۱۰ وضعیت NPT را اینگونه توصیف کرد: «رژیم جهانی عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای در مقطع بسیار بسیار شکننده‌ای از تاریخش قرار دارد.» حالا نزدیک دو سال به نشست، بعدی مشکلات همان قدر زیاد و بزرگند.

مشکل اصلی اما همان پوششی است که NPT برای کشورهای خاالی فراهم می‌آورد. به قول تروید ریاس و دنی استیلمن در کتابشان «قطار سریع‌السیر هسته‌ای»، NPT یک مفر بزرگ دارد. مادهٔ ۴ که حق مسلم کشورها برای استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را به رسمیت می‌شناسد اصل بسیار مترقی‌ای است که می‌کوشد حق کشورهای ضعیف‌تر را هم احقاق کند اما کره شمالی هم از همین ماده بهره‌ها برده است. بهر‌ه‌ای که پیمانش هم اکنون در بحران شبه‌جزیره کره آشکار است. شماری از بلندپایه‌ترین مقامات جهان هشدار داده‌اند که باید روندی برای جلوگیری از انحراف کشورهای دارای فعالیت صلح‌آمیز ایجاد شود. در یک گزارش سال ۲۰۰۹ سازمان ملل متحد آمده که «روبق تمایل به استفاده از انرژی هسته‌ای می‌تواند منجر به اشاعه جهان گستر غنی‌سازی اورانیوم و فناوری‌های بازفراوری سوخت مصرف شده شود که خطر گسترش فناوری‌هایی را تشدید می‌کند که می‌توانند مواد شکافت‌پذیری تولید کنند که در سلاح‌های هسته‌ای به کار می‌رود».

این گزارش همچنین به مشکل دیگری در متن NPT اشاره می‌کند. اینکه این پیمان هیچ اشاره‌ای به جنبه‌های مختلف چرخه سوخت هسته‌ای از قبیل معادن اورانیوم نکرده است. چیزهایی که می‌تواند مورد هجوم تروریست‌ها قرار گیرد.

تروریست هسته‌ای در واقع داستان بسیار وحشتناکی است که به اندازه کافی به آن توجه نشده است. احتمال حمله به پایگاه‌های هسته‌ای یا دزدیدن مواد و تجهیزات هسته‌ای از سوی تروریست‌ها کابوسی تمام‌ناشدنی خواهد بود. فراموش نمی‌توان کرد که مثلا جمهوری دموکراتیک کنگو که از ناآرامی‌های شدید رنج می‌برد منبع اورانیوم به کار رفته در نخستین بمب اتمی است. به مشکلات هسته‌ای باید استثنائودن تل‌آویو از قوانین بین‌المللی و لجبازی‌های دهلی‌نو و اسلام‌آباد را فراموش م‌کنهی را هم افزود.

این روزها در حالی بار دیگر حمله نیروهای خارجی به سوریه که عضو NPT است خبرساز شده که پیش‌تر جنگ داخلی این کشور احتمال دستیابی شورشیان بنیادگرا را چه باید کرد؟ نحوه خروج کائون توجه‌ها کرده بود. این هم خود شاید از مواردی است که پیمان عدم گسترش به آن توجه نکرده است. مواد هسته‌ای که کشوری که درگیر جنگ داخلی یا خارجی است را چه باید کرد؟ نحوه خروج احتمالی سوریه و هر کشور دیگری هم انگیزه استقلال‌های فراوان است اما به‌نظر نمی‌رسد که در کنفرانس بازنگری ۲۰۱۵ هم این چالش‌های پرشمار راه‌حلی پیدا کنند.

«برای گزارش برخی از داده‌های این یادداشت از اطلاعات تارنماهای سازمان ملل متحد، سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای و سازمان کنترل سلاح بهره گرفته شده است.